سوگند به آسمان مشبّک، (7) که شما [درباره قرآن‌] در سخنى گوناگونید. (8) [بگوى‌] تا هر که از آن برگشته، برگشته باشد. (9) مرگ بر دروغپردازان! (10) همانان که در ورطه نادانى بى‌خبرند. (11) پرسند: «روز پاداش کى است؟» (12) همان روز که آنان بر آتش، عقوبت [و آزموده‌] شوند. (13) عذاب [موعود] خود را بچشید، این است همان [بلایى‌] که با شتاب خواستار آن بودید. (14) پرهیزگاران در باغها و چشمه سارانند. (15) آنچه را پروردگارشان عطا فرموده مى‌گیرند، زیرا که آنها پیش از این نیکوکار بودند. (16) و از شب اندکى را مى‌غنودند. (17) و در سحرگاهان [از خدا] طلب آمرزش مى‌کردند. (18) و در اموالشان براى سائل و محروم حقى [معین‌] بود. (19) و روى زمین براى اهل یقین نشانه‌هایى [متقاعدکننده‌] است، (20) و در خود شما؛ پس مگر نمى‌بینید؟ (21) و روزى شما و آنچه وعده داده شده‌اید در آسمان است. (22) پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین، که واقعاً او حق است همان گونه که خود شما سخن مى‌گویید. (23) آیا خبر مهمانان ارجمند ابراهیم به تو رسید؟ (24) چون بر او درآمدند؛ پس سلام گفتند. گفت: «سلام، مردمى ناشناسید.» (25) پس آهسته به سوى زنش رفت و گوساله‌اى فربه [و بریان‌] آورد. (26) آن را به نزدیکشان برد [و] گفت: «مگر نمى‌خورید؟» (27) و [در دلش‌] از آنان احساس ترسى کرد. گفتند: «مترس.» و او را به پسرى دانا مژده دادند. (28) و زنش با فریادى [از شگفتى‌] سر رسید و بر چهره خود زد و گفت: «زنى پیر نازا [چگونه بزاید]؟» (29) گفتند: «پروردگارت چنین فرموده است. او خود حکیم داناست.» (30)